

## بررسی فرانش متن‌های کتابهای درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت)

دکتر مریم اعلائی\*  
malae1350@gmail.com

### چکیده

شالوده دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی را این اصل تشکیل می‌دهد که هدف اصلی زبان انتقال معناست و به همین منظور گویشوران برای تبادل معنا متن را می‌سازند؛ یعنی در متن آنچه اهمیت دارد، رد و بدل کردن معناست. از سوی دیگر، یکی از ارکان حائز اهمیت در کتابها، بخصوص کتابهای درسی دانشگاهی، نحوه تألیف است، به گونه‌ای که علوم مربوط به صورت معنامند به خواننده منتقل شود. هدف از تدوین این مقاله بررسی فرانش متن‌های درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) در چهارچوب دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی است. روشی که در این تحقیق به کار رفته، توصیفی - تحلیلی است. نتیجه تحقیق بیانگر آن است که جایگاه آغازگر در زبان فارسی معنامند است و پرداختن به آن در تدوین و تألیف کتب درسی دانشگاهی بسیار اهمیت دارد.

### کلیدواژه

کتابهای درسی علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی، فرانش متن‌ها، آغازگر.

### مقدمه

زبان، زنده، پویا و یکی از ابزارهای مهم در توصیف و انتقال علم است. پر واضح است که علم در جهان به سرعت در حال پیشرفت است و به همین دلیل، توصیف ابزار اصلی انتقال

---

\* فارغ‌التحصیل دکتری دانشگاه تربیت مدرس تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۲۷

آن، یعنی زبان، از جنبه‌های گوناگون، به‌خصوص با استفاده از ابزار موجود در مکاتب جدید علمی، بسیار بااهمیت است. وقت آن رسیده است که در تألیف علوم، زبان سنتی را کنار بگذاریم و آن را یک علم در نظر بگیریم؛ علمی که خود برای انتقال درست علوم کاربرد دارد. کیفیت زبان‌شناختی کتابهای درسی دانشگاهی در ارتقای درک مطلب دانشجویان تأثیر بسزایی دارد. در دستور نظام‌مند نقش‌گرای هلیدی<sup>۱</sup> ابزاری ارائه می‌شود که می‌توان به واسطه آن توصیف زبان‌شناختی و معنایی از زبان به دست داد. هدف از این پژوهش نیز بررسی فرانش متنی<sup>۲</sup> در کتابهای درسی علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین (سمت) و اهمیت آن در تألیف است.

### چهارچوب نظری

انسان هنگام نوشتن و گفتگو، متنی را تولید می‌کند که از دو منظر می‌توان آن را بررسی کرد: ابتدا، متن به منزله شیء و دوم، متن به منزله وسیله‌ای برای یافتن چیزهای دیگر. منظر اول، رویکرد «کالایی»<sup>۳</sup> به متن دارد، یعنی متن را کالا در نظر می‌گیرد و ویژگیهای آن را برمی‌شمارد. اما در منظر دوم، متن یک «نمونه»<sup>۴</sup> است، یعنی نمونه‌ای از یک نظام و در واقع با مطالعه متن (برای مثال، فارسی) نظام (زبان فارسی) آشکار می‌شود.

هلیدی متن را نمونه تلقی می‌کند و زبان را مانند شبکه‌ای از روابط می‌داند که ساختارها را شکل می‌دهد. او در دستور خود توجه خاصی به معنا دارد و آن را بنیان زبان می‌داند که در متن یا کلام شکل می‌گیرد (Halliday, 1994a, P.xxxviii). معنا به معنای گزاره‌ای محدود نمی‌شود، چون عواملی مانند ترتیب و توالی عناصر سازنده هم می‌توانند معنا را نتیجه دهند. در واقع، معنا مجموعه چیزهایی است که گوینده می‌خواهد به شنونده منتقل کند؛ یعنی معنای یک جمله با نقش آن برابر است و برای تعیین انواع مختلف معنا باید انواع نقش را از هم جدا کرد. با این جداسازی نقشها موضوع انتخاب مطرح می‌شود، چون گوینده برای بیان معنای مورد نظر خود، در هر موقعیت، به انتخاب خاصی می‌پردازد. بنابراین، در این نظریه زبان به مثابه انتخاب مطرح است که در آن یک زبان یا یک بخش از زبان، منبعی برای ساختن معنا از طریق انتخاب است. در هر انتخاب دو شق مطرح است: (۱) محیطی که در برگیرنده انتخابهاست و (۲) مجموعه‌ای از امکانات که انتخاب می‌شوند.

1. Halliday systematic functional grammar
2. textual metafunction
3. artefact
4. specimen

این دو شق با هم نظام را می‌سازند.

دیدگاه هلیدی را می‌توان چنین خلاصه کرد: «این دیدگاه کاربردی است نه نظری، واقعی است نه آزمایشگاهی، نقشی است نه صوری و در آن متن بنیاد است نه جمله» (Halliday, 1994, P. xxx viii)

هلیدی و ماتیسون (Halliday & Matthiesson, 2004, p. 30) در دستور خود سه لایه معنایی را در نظر می‌گیرند و به هر کدام از آنها فرانش می‌گویند؛ در این مقاله به سبب فراخور موضوع تنها فرانش متنی بررسی می‌شود. فرانش متنی با ساخت متن سروکار دارد و نشان می‌دهد چگونه آنچه می‌گوییم با آنچه در قبل گفتیم و با بافت پیرامون مرتبط است. در این رهگذر عوامل ساختاری مطرح می‌شوند که یکی از آنها ساخت آغازگر - پایان بخش است. ساخت آغازگر - پایان بخش به ساختمان بند می‌پردازد و به آرایش کلمات جمله توجه دارد. آغازگر نقطه شروع پیام است و انتخاب مناسب آن حکم قلابی را دارد که نویسنده یا گوینده به کمک آن جمله مورد نظر خود را با جملات پیشین متن پیوند می‌دهد. این مسئله به خواننده یا شنونده در فهم معنای مدنظر نویسنده یا گوینده کمک زیادی می‌کند. هلیدی و ماتیسون آغازگر را چنین تعریف کرده‌اند:

الف) بند، به عنوان پیام، دارای بخشی است که به صورت آغازگر بیان شده، سپس با بخش دوم (پایان بخش) ترکیب می‌شود و سرانجام با هم پیام را تشکیل می‌دهند.

ب) در برخی زبانها، مانند ژاپنی، آغازگر با ادات «-wa» مشخص می‌شود، اما در دیگر زبانها، مانند انگلیسی، آغازگر به واسطه جایگاهش در بند مشخص می‌شود. آغازگر در این زبانها در جایگاه آغازین بند قرار می‌گیرد.

ج) آغازگر نقطه عطف پیام است.

د) آغازگر صرفاً گروه اسمی نیست و می‌تواند دیگر طبقات گروه یا عبارت باشد؛ یعنی گوینده یا نویسنده آغازگر مورد نظر خود را انتخاب می‌کند؛ در این انتخاب تنوع وجود دارد.

ه) آغازگر در گفتار با آهنگ مشخص و از یک گروه نواخت مجزا تشکیل می‌شود. هر گروه نواخت بیانگر یک واحد اطلاعاتی است.

بر اساس این تعریف، آغازگر در صورتی که خود شامل یکی از این سه سازه (۱) فرایند، (۲) مشارکین<sup>۱</sup> و (۳) عناصر پیرامونی - مانند زمان، مکان، و حالت - باشد، دست‌راستی‌ترین سازه (در زبان فارسی) است.

1. process
2. participants

در ساخت آغازگر - پایان بخش، آغازگر همواره شامل یک و تنها یکی از این عناصر تجربی است؛ یعنی آغازگر بند با اولین سازه آغازگر تجربی به پایان می‌رسد. این سازه می‌تواند فرایند، مشارک یا عناصر پیرامونی باشد.

به مثالی توجه کنید: «آنها به سینما رفتند». در این جمله «آنها» آغازگر تجربی و سایر جمله پایان بخش است.

در این دستور در کنار آغازگر تجربی دو آغازگر بینافردی<sup>۱</sup> و بینامتنی<sup>۲</sup> مطرح است. آغازگر بینافردی به سه گروه ندایی<sup>۳</sup>، وجه نما<sup>۴</sup> و زمان دار<sup>۵</sup> تقسیم می‌شود. هرگاه کسی مورد خطاب قرار گیرد آغازگر ندایی (گروه اول) شکل می‌گیرد و آن فرد مورد خطاب منادا نامیده می‌شود؛ مانند «علی» در جمله: «علی بدو». به طور منطقی این آغازگر در متون علمی به ندرت دیده می‌شود.

گروه دوم، آغازگر بینافردی وجه نما است. در میان انواع آغازگر بینافردی این گروه بیشترین کاربرد را دارد و قضاوت گوینده یا نویسنده را در مورد پیام نشان می‌دهد. جعفری (۱۳۸۸، ص ۲۳۳-۲۳۵) آنها را تحت عنوان «افزوده‌های وجه» به سه گروه: افزوده وجهی<sup>۶</sup> (مانند: سرانجام، حالا، گاهی اوقات)، اظهاری<sup>۷</sup> (مانند: بی‌شک، البته، فرضاً) و نقش گفتار<sup>۸</sup> (مانند: صادقانه، شخصاً، حقیقتاً) دسته‌بندی کرد.

سومین گروه از آغازگر بینافردی، آغازگر زمان دار است. در زبان فارسی فعلهای برگرفته از مصدرهای توانستن، شدن، بایستن، شایستن و خواستن، معمولاً قبل از فعل اصلی به کار می‌روند و نظر گوینده را نسبت به وقوع فعل بعدی نشان می‌دهند؛ در نتیجه این افعال معنای بینافردی دارند و چنانچه در ابتدای بند و قبل از آغازگر تجربی قرار گیرند، آغازگر بینافردی محسوب می‌شوند، مانند «شاید» در جمله: «شاید بیمار با بیان مشکلات خود نزد پزشک احساس راحتی کند».

گفتنی است که موارد سه گانه در صورتی آغازگر بینافردی محسوب می‌شوند که در ابتدای جمله و قبل از آغازگر تجربی قرار گیرند.

آغازگر دیگری که می‌تواند در جایگاه آغازین جمله قرار گیرد، آغازگر متنی

1. interpersonal Theme
2. textual Theme
3. vocative
4. modal
5. finite verbal operator
6. modal adjunct
7. proposal
8. speech act

است که معنای بینافردی و تجربی ندارد، اما میان بندها و جملات انسجام برقرار می‌کند. این آغازگر، خود، به سه گروه تداومی،<sup>۱</sup> ساختاری<sup>۲</sup> و افزوده ربطی<sup>۳</sup> تقسیم می‌شود. گروه اول، آغازگر تداومی مجموعه کوچکی است از کلمات که حرکتی جدید در مکالمه و گفتمان را بیان می‌کند و موجب پیوستگی جملات گوینده یا نویسنده می‌شود، (مانند: خب، راستی، اما).

گروه دوم، آغازگر ساختاری همواره در آغاز بند قرار می‌گیرد و بین بندهای جمله پیوند برقرار می‌کند (مانند: که، زیرا، تا این که، لذا).

در گروه سوم، جعفری (۱۳۸۸، ص ۲۵۰-۲۵۲) انواع افزوده‌های ربطی را به سه گروه تشریحی<sup>۴</sup> (مانند: به عبارت دیگر، ضمناً، جان کلام)، گسترشی<sup>۵</sup> (مانند: به علاوه، به ترتیب، هنوز) و سرانجام تفصیلی<sup>۶</sup> (در نتیجه، بعداً، نظر به اینکه) معرفی کرد.

گفتنی است که موارد سه گانه فوق تنها در صورتی آغازگر متنی محسوب می‌شوند که در ابتدای جمله و قبل از آغازگر تجربی قرار گیرند.

بنابراین، آغازگر بند شامل آغازگر تجربی و هر آن چیزی است که قبل از آن قرار می‌گیرد. چنانچه بند فقط با یک آغازگر (آغازگر تجربی) شروع شود، به آن آغازگر ساده می‌گویند؛ اما اگر بند با آغازگر بینافردی و یا متنی + آغازگر تجربی شروع شود، به آن آغازگر مرکب می‌گویند. برای مثال، جمله «آنها به سینما رفتند»، دارای آغازگر ساده است و جمله «ای مردم، بدین وسیله من حجت‌م را بر شما تمام کردم»، دارای آغازگر مرکب (بینافردی + متنی + تجربی) است.

از دیگر مواردی که در این مقاله بررسی شده است، آغازگر نشان‌دار و بی‌نشان است. در زبان علم، اصطلاح بی‌نشان در معنای «متداول و رایج» است که در برابر اصطلاح نشان‌دار به معنای «غیر مرسوم» به کار می‌رود. حالت بی‌نشان ترتیب عناصر سازنده جملات خبری در متون علمی زبان فارسی فاعل (محذوف یا آشکار) + مفعول + فعل است. بنابراین، در زبان فارسی در جملات خبری هرگاه آغازگر جمله با فاعل دستوری یعنی نهاد منطبق باشد، آغازگر بی‌نشان محسوب می‌شود، در غیر این صورت نشان‌دار است. به این مثالها توجه کنید:

1. continuative
2. structural
3. conjunctive adjunct
4. elaborating
5. extending
6. enhancing

«نظریه تکاملی داروین، روان‌شناسی را متحول ساخت».

«آزمونهای هوشی را او به دو دسته تقسیم کرد».

در جمله اول، نظریه تکاملی داروین (فاعل در ابتدای جمله) آغازگر بی‌نشان و در جمله بعد، آزمونهای هوشی را (مفعول در ابتدای جمله) آغازگر نشان‌دار است. بدین ترتیب آنچه در این مقاله بررسی شد، آغازگر ساده و مرکب، نشان‌دار و بی‌نشان، بینافردی و متنی است. در ادامه، ابتدا به پیشینه و سپس به روش تحقیق و تحلیل داده‌ها می‌پردازیم.

#### پیشینه

در این بخش، ابتدا چند اثر غیر ایرانی و سپس برخی از مطالعات صورت گرفته در ایران معرفی می‌شود. ذکر این نکته ضروری است که در این مقاله، مبتدا معادل Topic، خبر معادل Comment، آغازگر معادل Theme و پایان بخش معادل Rheme در نظر گرفته شده است و از تغییر این برابر نهادها در بخش پیشینه خودداری و آثار دیگران عیناً و بدون تغییر ارائه می‌شود.

رقیه حسن (Hassan, 1989) متنها را از منظر نقش‌گرایی تحلیل کرد. به اعتقاد او بنا به دلایلی، نگرش نقش‌گرایی منجر به ارتقای کیفیت تحصیلات و مبارزه با مشکلات اجتماعی می‌شود، این دلایل چنین‌اند:

۱. آموزگاران با این نگرش می‌توانند اطلاعات بیشتری در مورد زبان مورد نظر داشته باشند و شاگردان خود را بهتر آموزش دهند.

۲. زبان‌آموز می‌تواند درک بهتری از زبان داشته باشد و در مورد محتوای مطالب درسی اطلاعات بیشتری به دست آورد.

۳. سیاستهای آموزشی پیشرفته می‌تواند اعمال شود، یعنی با در نظر گرفتن هدفهای واضح‌تر و واقعی‌تر، فرایند آموزش مشخص شده، یادگیری زبان به نحو مطلوب‌تری هدایت می‌شود.

گومز (Gomez, 1994) نقش آغازگر را در گزارشهای خبری رادیو بی‌بی‌سی بررسی کرد. او در این کار، ۴۸۶ آغازگر استخراج کرد که همگی در بندهای خبری به کار رفته بودند. وی در مقاله‌اش آغازگر نشان‌دار را از بی‌نشان مجزا کرد و پس از بررسی آغازگرهای مرکب به این نتیجه رسید که توالی آغازگر متنی + تجربی رایج‌تر از سایر توالیهاست. گومز در سال ۱۹۹۸ نظری متفاوت با هلیدی در زمینه آغازگر مرکب ارائه

کرد. آغازگر مرکب به نظر او شامل یک آغازگر تجربی و یک یا چند آغازگر متنی و بینافردي اختیاری است که قبل و بعد از آغازگر تجربی قرار می‌گیرند. تحلیل او را می‌توان بدین صورت نشان داد: (متنی) + (بینافردي) + تجربی + (بینافردي) + (متنی). وی این آغازگر را آغازگر بسط یافته<sup>۱</sup> می‌نامد.

فرايز<sup>۲</sup> (Fries, 1995) به مطالعه چهارنوع متن می‌پردازد: آگهی فوت، معرفی برنامه کنسرتها، داستان، توضیح و تفسیر. او در مجموع ۳۶۷ بند را تحلیل کرد و به این نتایج دست یافت:

۱. در کل پیکره کاربرد آغازگر ساده بیشتر از آغازگر مرکب است.
  ۲. در نثر داستانی، آغازگر ساده بیشتر از آغازگر مرکب به کار رفته است.
  ۳. توالی آغازگر متنی + تجربی توالی رایج در پیکره است (بدون ذکر آمار).
  ۴. در کل متن آغازگر متنی بیشتر از آغازگر بینافردي بوده است.
- شفائی (۱۳۶۳، ص ۱۹۸) درباره معنامند بودن جایگاه آغازین جمله می‌گوید: «برای برجسته ساختن عضوی از اعضای جمله می‌توان عضو مورد نظر را از جایگاه خود انتقال داد و به ابتدای جمله برد. این عنصر می‌تواند نهاد، گزاره، متمم، قید یا تعیین کننده (صفت) و حتی اجزاء تشکیل دهنده گزاره‌های فعلی باشد». شفائی جایگاه آغازین در بند را معنامند می‌داند.

محمودف (۱۳۶۵، ص ۵۳ و ۵۴) در خصوص توالی کلمات و نقش آن در معنا معتقد است: «در نوشته‌های مربوط به زبان‌شناسی این اندیشه که توالی کلمات در جمله رابطه مستقیمی با نقش ارتباطی آن جمله دارد مورد قبول همگان است و تردیدی در آن نیست. بنابراین، جمله واحد براساس نقش ارتباطی آن می‌تواند به طرق مختلف بیان شود؛ یعنی بدون آن که کلمات تشکیل دهنده جمله تغییر کند، فقط ترتیب آنها بر هم می‌خورد». دیر مقدم (۱۳۶۹، ص ۳۴ و ۳۹) مفاهیم مبتدا، خبر و اطلاع کهنه و نو را مطرح می‌کند و معتقد است در جمله‌ای مثل «من کتاب را خریدم» در حالت بی‌نشان یا بنیادین دو مبتدا وجود دارد (مبتدای اولیه = من، و مبتدای ثانویه = کتاب را)؛ اما در جمله «من کتابی خریدم» کتاب به همراه فعل خریدن جزئی از خبر محسوب می‌شود و جمله تنها یک مبتدا دارد. وی در ادامه به رابطه مبتدا و خبر با دو مفهوم اطلاع کهنه و نو اشاره می‌کند و آنها را از هم متمایز می‌داند.

1. extended multiple theme  
2. Fries

کاووسی نژاد (۱۳۸۱) در رساله دکتری خود ساخت مبتدا و خبر را در پنج گونه نوشتاری زبان فارسی معاصر بررسی کرد. این پنج گونه عبارت‌اند از: داستانی، نثر، روزنامه‌ای، مقاله‌های علمی، و مقاله‌های آموزشی - علمی. وی در هر گونه دویست بند و در مجموع هزار بند را تحلیل کرد. در این هزار بند تحلیل شده به این نتیجه رسید که ۵۵/۶ درصد بندها دارای مبتدای مرکب و ۴۴/۱ درصد آنها دارای مبتدای ساده‌اند و فقط در نثر روزنامه‌ای تعداد مبتداهای ساده بیش از مبتدای مرکب بود. به نظر وی چون هدف نثر روزنامه‌ای بیان خبر و اطلاع‌رسانی است، وضوح و اختصار کلام مد نظر است؛ بنابراین، مبتدای ساده نسبت به مبتدای مرکب کاربرد بیشتری دارد.

در مجموع، این هزار بند مبتدای متنی (۵۰/۴ درصد) بیش از مبتدای بینافردی (۱۲/۹ درصد) به کار رفته است. کاربرد مبتدای بینافردی در گونه داستانی بیش از سایر گونه‌هاست و گونه آموزشی نیز در خصوص کاربرد مبتدای بینافردی تا حدودی شبیه گونه داستانی است.

غفاری مهر (۱۳۸۳) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود دو مجموعه از کتابهای آموزش زبان فارسی (آزفا) را از نظر ساختار مبتدا - خبر بررسی کرد و نتیجه گرفت که در جملات خبری کتاب فارسی بیاموزیم، ۱۵/۵ درصد مبتدای مرکب و ۸۴/۵ درصد مبتدای ساده است، در حالی که در کتابهای آزفا ۱۰/۵ درصد مرکب و ۸۹/۵ درصد مبتدا ساده است و با توجه به استفاده بیشتر فارسی بیاموزیم از مبتدای مرکب می‌توان گفت که این مجموعه انطباق بیشتری با گونه گفتاری زبان فارسی دارد. در فارسی بیاموزیم مبتداهای نشان‌دار ۳۳/۵ درصد و در آزفا ۲۷ درصد کل بندهای خبری را تشکیل می‌دهد. استفاده از مبتداهای نشان‌دار نشان می‌دهد که متنها به گونه گفتاری نزدیک است.

فهم‌نیا (۱۳۸۷) در رساله دکتری خود کتابهای فارسی و انشاهای دانش‌آموزان دبستان را از این نظر بررسی کرده است و به این نتیجه رسیده است که چه در متن و چه در انشاهای این دانش‌آموزان گرایش غالب در کاربرد آغازگر ساده و بی‌نشان است، نه مرکب نشان‌دار. بسامد وقوع آغازگرهای نشان‌دار در کتابها بیش از دو برابر بسامد رخداد آن در انشاهاست.

### روش تحقیق

تحقیق حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی با تأکید بر تحلیل محتواست، بر این اساس کتابهای علوم انسانی سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت) انتخاب شدند. از آنجا که



تعداد آنها زیاد است، سه کتاب با این معیارها انتخاب شدند: تألیفی باشند، از سه حوزه مختلف باشند، بیش از سه بار چاپ شده باشند، در زمره کتابهای پایه حوزه مربوط باشند و آخرین چاپ آنها از سال ۱۳۸۱ به بعد باشد؛ بدین ترتیب سه کتاب انتخاب شدند:

۱. کلیات تربیت بدنی در مدارس، حوزه تربیت بدنی، چاپ چهارم، ۱۳۸۱.

۲. روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، حوزه روان‌شناسی، چاپ سوم، ۱۳۸۶.

۳. مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره، حوزه علوم تربیتی، چاپ پنجم، ۱۳۸۶.

سپس کلیه بندهای چهار صفحه اول این کتابها مجزا شدند، در نتیجه، در کتاب اول ۱۰۱۳ بند، در کتاب دوم ۸۸۴ بند و در کتاب سوم ۹۱۳ بند به دست آمد؛ سپس این بندها از منظر فرانش متنی بررسی شدند.

نکته حائز اهمیت در این مقاله این است که ترتیب عناصر در زبان فارسی به صورت بی‌نشان فاعل + مفعول + فعل در نظر گرفته شده است. در ضمن از آنجایی که زبان فارسی ضمیرانداز است، فاعل محذوف نیز آغازگر بی‌نشان تلقی شده است. برای مثال در جمله «معمارا حل کردم»، فاعل محذوف «من» آغازگر بی‌نشان در نظر گرفته شده است.

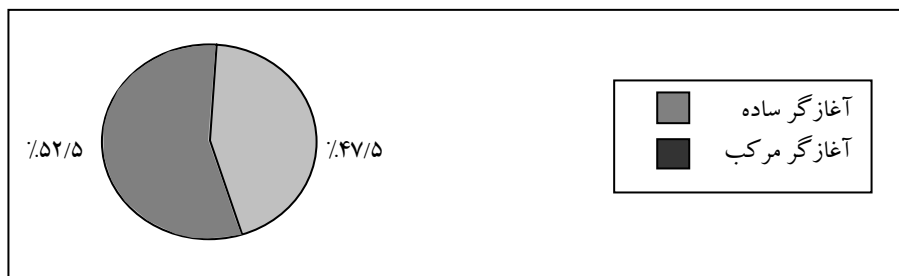
### تحلیل داده‌ها

در این قسمت به بررسی و تحلیل فرانش متنی در سه کتاب فوق می‌پردازیم. بر این اساس، انواع آغازگر ساده، مرکب، نشان‌دار، بی‌نشان، متنی و بینافردی بررسی می‌شوند. پیش‌تر گفتیم چنانچه در ابتدای بند فقط یک آغازگر (آغازگر تجربی) داشته باشیم، به آن آغازگر ساده و چنانچه بیش از یک آغازگر باشد، به آن آغازگر مرکب می‌گویند. در زبان فارسی این آغازگر دست راستی‌ترین سازه است و می‌تواند مشارک، فرایند یا عناصر پیرامونی باشد؛ سایر آن پایان بخش محسوب می‌گردد.

در کتاب روان‌شناسی تفاوت‌های فردی از ۸۸۴ بند، ۴۲۰ بند (۴۷/۵ درصد) حاوی آغازگر ساده و ۴۶۴ بند (یعنی ۵۲/۵ درصد) حاوی آغازگر مرکب بود (جدول ۱ و نمودار کلوچه‌ای ۱).

جدول ۱ توزیع فراوانی آغازگر ساده و مرکب در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

روان‌شناسی تفاوت‌های فردی	فراوانی	درصد نسبت به تعداد کل بندها
آغازگر ساده	۴۲۰	۴۷/۵
آغازگر مرکب	۴۶۴	۵۲/۵



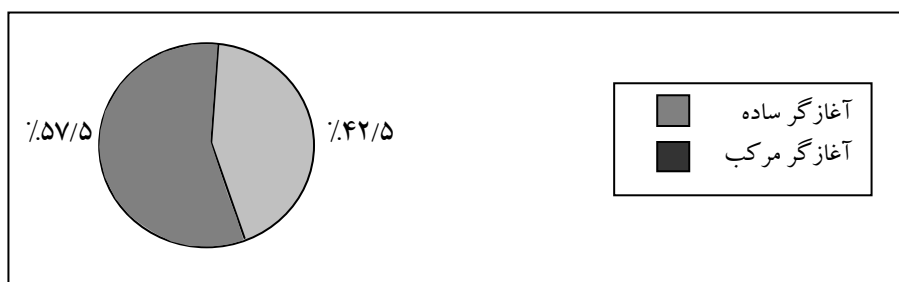
نمودار کلوچه‌ای ۱ توزیع فراوانی آغازگر ساده و مرکب در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در این کتاب درصد آغازگر مرکب نسبت به آغازگر ساده با تفاوت بسیار اندک (۵ درصد) تقریباً برابر است. یعنی در تألیف این کتاب (حداقل در ۴۰ صفحه اول) مؤلف از آغازگر متنی و بینافردی نیز استفاده کرده است.

در کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس از ۱۰۱۳ بند، ۴۳۰ بند (۴۲/۵ درصد) حاوی آغازگر ساده و ۵۸۳ بند (۵۷/۵ درصد) حاوی آغازگر مرکب بود (جدول ۲ و نمودار کلوچه‌ای ۲).

جدول ۲ توزیع فراوانی آغازگر ساده و مرکب در ۱۰۱۳ بند کلیات تربیت بدنی در مدارس

کلیات تربیت بدنی در مدارس	فراوانی	درصد نسبت به تعداد کل بندها
آغازگر ساده	۴۳۰	۴۲/۵
آغازگر مرکب	۵۸۳	۵۷/۵



نمودار کلوچه‌ای ۲ توزیع فراوانی آغازگر ساده و مرکب ۱۰۱۳ بند کلیات تربیت بدنی در مدارس

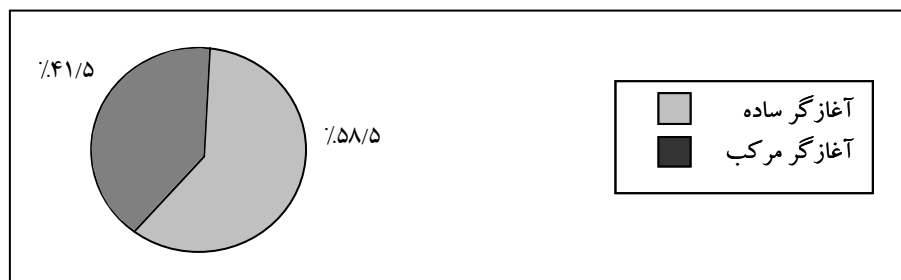
در این کتاب درصد وقوع آغازگر مرکب بیش از آغازگر ساده است (یعنی ۵۷/۵ درصد) بندها با آغازگر متنی یا آغازگر بینافردی + آغازگر تجربی شروع شده‌اند و کمتر از آغازگر تجربی، به تنهایی، استفاده شده است؛ مؤلف در آن ترجیح داده است بندها را به

صورت مرکب آغاز کند.

در کتاب *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره* از ۹۱۳ بند، ۵۳۵ بند (۵۸/۵ درصد) حاوی آغازگر ساده و ۳۷۸ بند (۴۱/۵ درصد) حاوی آغازگر مرکب بود (جدول ۳ و نمودار کلوچه‌ای ۳)

جدول ۳ توزیع فراوانی آغازگر ساده و مرکب در ۹۱۳ بند *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره	فراوانی	درصد نسبت به تعداد کل بندها
آغازگر ساده	۵۳۵	۵۸/۵
آغازگر مرکب	۳۷۸	۴۱/۵

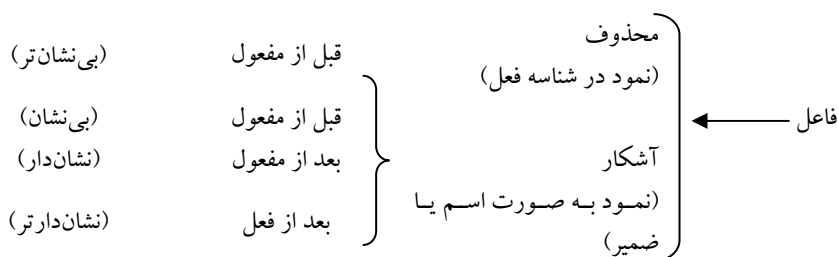


نمودار کلوچه‌ای ۳ توزیع فراوانی آغازگر ساده و مرکب در ۹۱۳ بند *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*

همان‌طور که ملاحظه می‌کنید در این کتاب درصد آغازگر ساده بیش از آغازگر مرکب است و مؤلف استفاده از بندهای ساده را بر بندهای مرکب ترجیح داده است. آمار به دست آمده از آغازگر ساده و مرکب در این سه کتاب و مقایسه آنها با مطالعاتی که تا کنون شده است - که در مبحث پیشینه نام برخی از آنها رفته است - نشان می‌دهد که آغازگر در زبان فارسی معنامند است و باید به آن پرداخت. شیوه بیان و چگونگی شروع یک موضوع در انسجام، پیوستگی و درک مطلب تأثیر بسزایی دارد. پرواضح است که هر چه جمله را پیچیده‌تر و غامض‌تر آغاز کنیم، درک آن برای مخاطب سخت‌تر و انگیزه او برای پیگیری مطلب کمتر می‌شود. اما هرچه جمله ساده‌تر آغاز شود و به زبان مادری نزدیک‌تر باشد (یعنی کمتر رنگ و بوی ترجمه را بدهد) درک آن راحت‌تر و مخاطب انگیزه بیشتری برای پیگیری مطلب می‌یابد و در حوزه مربوط مطالعه بیشتری می‌کند. در ادامه آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار بررسی می‌گردد.

همان‌طور که آمد اصطلاح بی‌نشان به معنای «متداول و رایج» است و در برابر اصطلاح نشان‌دار به معنای «غیر مرسوم» به کار می‌رود. حالت بی‌نشان ترتیب

عناصر سازنده جملات خبری در متون علمی زبان فارسی فاعل (محدوف یا آشکار) + مفعول + فعل است. یعنی در جملات خبری زبان فارسی هرگاه آغازگر با فاعل دستوری، یعنی نهاد، منطبق باشد، بی‌نشان محسوب می‌شود؛ در غیر این صورت نشان‌دار است. از آنجا که زبان فارسی ضمیرانداز است، بی‌نشان‌ترین حالت زمانی است که فاعل محدوفی داشته باشیم و نشان‌دارترین حالت نیز زمانی است که فاعل پس از فعل قرار گیرد. بر این اساس، فاعل در زبان فارسی می‌تواند به دو صورت محدوف و آشکار و در سه جایگاه قبل از مفعول، بعد از مفعول و بعد از فعل ظاهر گردد؛ از برهم کنش این دو پیوستاری از بی‌نشان‌ترین تا نشان‌دارترین به وجود می‌آید که شکل ۱ آن را نشان می‌دهد.



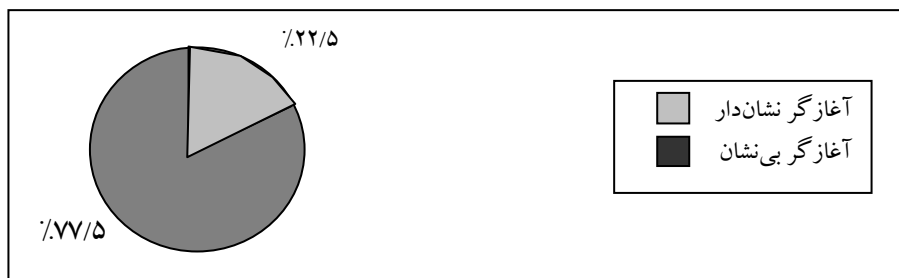
شکل ۱ فاعل در زبان فارسی

در بی‌نشان‌ترین حالت، مانند «کتاب را خریدم» فاعل «من» محدوف است. در حالت بی‌نشان مانند، «من کتاب را خریدم»، فاعل «من» در جایگاه آغازین قرار دارد. در حالت نشان‌دار، مانند «کتاب را من خریدم» فاعل «من» نه در جایگاه خود، بلکه بعد از مفعول قرار دارد و در نشان‌دارترین حالت، مانند «کتاب را خریدم من» فاعل «من» در نشان‌دارترین حالت، یعنی در انتهای جمله، نمایان شده است.

طبق این توضیحات در کتاب *روان‌شناسی تفاوت‌های فردی* از مجموع ۸۸۴ بند، ۱۹۸ بند (۲۲/۵ درصد) نشان‌دار و ۶۸۶ بند (۷۷/۵ درصد) بی‌نشان بود (جدول ۴ و نمودار کلوچه‌ای ۴).

جدول ۴ توزیع فراوانی آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در ۸۸۴ بند *روان‌شناسی تفاوت‌های فردی*

درصد نسبت به تعداد کل بندها	فراوانی	روان‌شناسی تفاوت‌های فردی
۲۲/۵	۱۹۸	آغازگر نشان‌دار
۷۷/۵	۶۸۶	آغازگر بی‌نشان

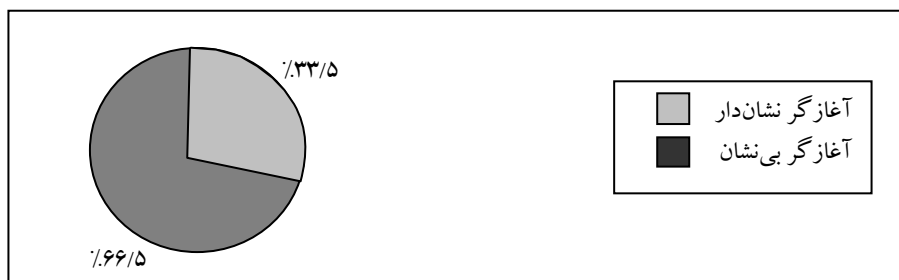


نمودار کلوچه‌ای ۴ توزیع فراوانی آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

در کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس از مجموع ۱۰۱۳ بند، تعداد ۳۳۹ بند (۳۳/۵ درصد) نشان‌دار و ۶۷۴ بند (۶۶/۵ درصد) بی‌نشان است. یعنی بسامد آغازگر بی‌نشان ۳ برابر بیش از آغازگر نشان‌دار است. (جدول ۵ و نمودار کلوچه‌ای ۵).

جدول ۵ توزیع فراوانی آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در ۱۰۱۳ بند کلیات تربیت بدنی در مدارس

کلیات تربیت بدنی در مدارس	فراوانی	درصد نسبت به تعداد کل بندها
آغازگر نشان‌دار	۳۳۹	۳۳/۵
آغازگر بی‌نشان	۶۷۴	۶۶/۵

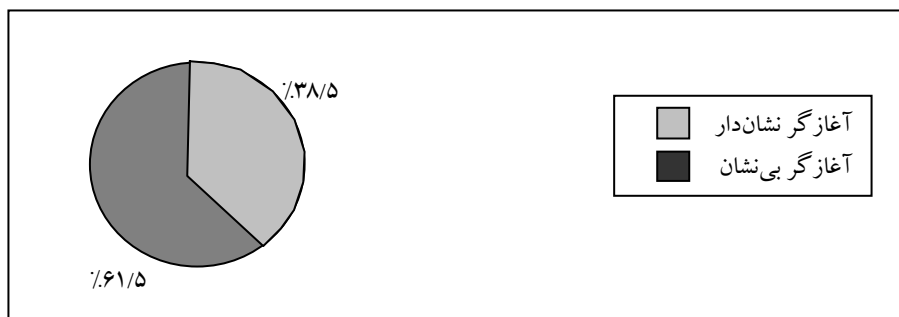


نمودار کلوچه‌ای ۵ توزیع فراوانی آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در ۱۰۱۳ کلیات تربیت بدنی در مدارس

در کتاب مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره از مجموع ۹۱۳ بند، تعداد ۳۵۳ بند (۳۸/۵ درصد) نشان‌دار و ۵۶۰ بند (۶۱/۵ درصد) بی‌نشان بود (جدول ۶ و نمودار کلوچه‌ای ۶).

جدول ۶ توزیع فراوانی آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در ۹۱۳ بند مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره	فراوانی	درصد نسبت به تعداد کل بندها
آغازگر نشان‌دار	۳۵۳	۳۸/۵
آغازگر بی‌نشان	۵۶۰	۶۱/۵



نمودار کلوچه‌ای ۶ توزیع فراوانی آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در ۹۱۳ بندهای مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

آمار نشان می‌دهد که در هر سه کتاب بسامد وقوع آغازگر بی‌نشان بیشتر از آغازگر نشان‌دار است.

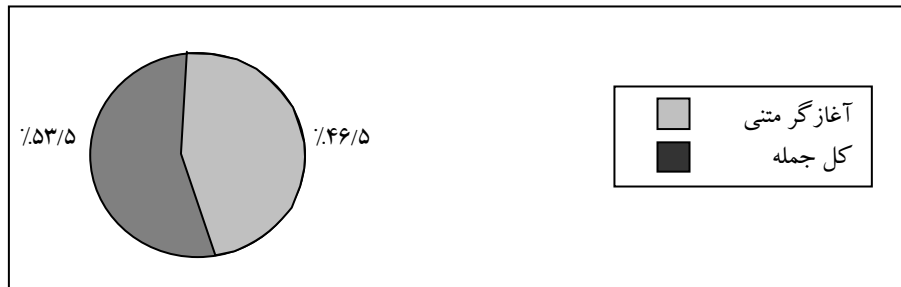
بسامد بیشتر آغازگر بی‌نشان نسبت به آغازگر نشان‌دار حاکی است که فاعل (چه به صورت آشکار و چه به صورت محذوف) قبل از مفعول قرار گرفته است و در آن معیار زبان فارسی رعایت شده است. با وجود این، در دو کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس و مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره، درصد آغازگر نشان‌دار نسبت به بی‌نشان هرچند کم است، قابل توجه است و در حدود یک سوم (۱/۳ درصد) فراوانی را به خود اختصاص می‌دهد. در این نکته باید تأمل کرد که آیا مؤلف برای جلب نظر خواننده عناصر سازنده جمله را جا به جا کرده است یا تحت تأثیر ترتیب عناصر سازنده جمله در زبان انگلیسی قرار گرفته و آن را ترجمه کرده است؟

آخرین مورد پژوهش در این مقاله، آغازگر متنی و آغازگر بینافردی است که به ترتیب آمار به دست آمده در سه کتاب روان‌شناسی تفاوت‌های فردی، کلیات تربیت بدنی در مدارس و مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره بیان می‌شود.

در کتاب روان‌شناسی تفاوت‌های فردی از مجموع ۸۸۴ بند، ۴۱۲ بند (۴۶/۵ درصد) آغازگر متنی بود (جدول ۷ و نمودار کلوچه‌ای ۷).

جدول ۷ توزیع فراوانی آغازگر متنی در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

روان‌شناسی تفاوت‌های فردی	فراوانی	درصد نسبت به کل بندها
آغازگر متنی	۴۱۲	۴۶/۵

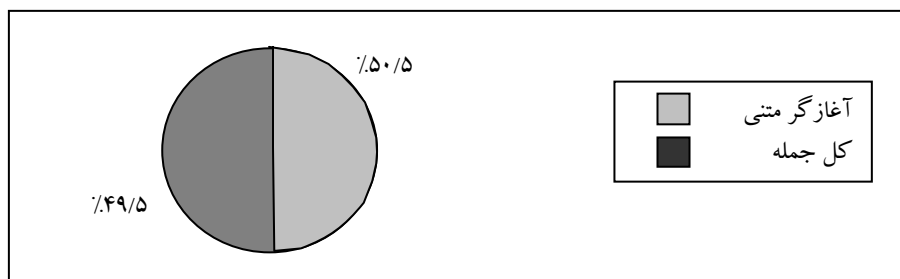


نمودار کلوچه‌ای ۷ توزیع فراوانی آغازگر متنی در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

در کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس از مجموع ۱۰۱۳ بند، ۵۱۳ بند (۵۰/۵ درصد) آغازگر متنی بود. این رقم نشان می‌دهد که از این آغازگر به خوبی استفاده شده است و در نتیجه انسجام میان بندها دیده می‌شود (جدول ۸ و نمودار کلوچه‌ای ۸)

جدول ۸ توزیع فراوانی آغازگر متنی در ۱۰۱۳ بند کلیات تربیت بدنی در مدارس

کلیات تربیت بدنی در مدارس	فراوانی	درصد نسبت به کل بندها
آغازگر متنی	۵۱۳	۵۰/۵

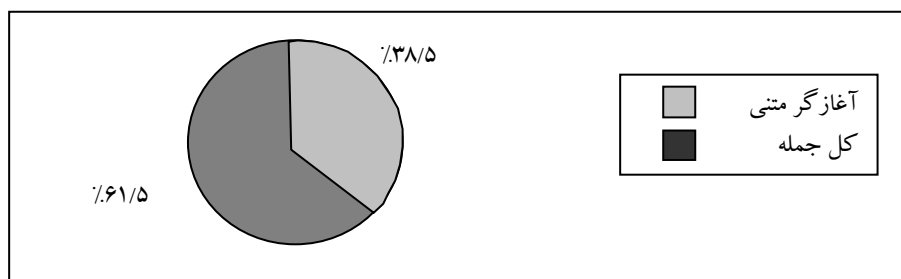


نمودار کلوچه‌ای ۸ توزیع فراوانی آغازگر متنی در ۱۰۱۳ بند کلیات تربیت بدنی در مدارس

در کتاب مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره از مجموع ۹۱۳ بند، ۳۵۳ بند (۳۸/۵) آغازگر متنی است. در این کتاب از مجموع بندهای دارای آغازگر مرکب در حدود ۱/۳ درصد از آنها از آغازگر متنی برای انسجام میان بندها استفاده شده است که نسبت به مورد قبل آمار کمتری دارد؛ مقایسه نمودار ۹ با ۸ نیز مؤید همین امر است (جدول ۹ و نمودار کلوچه‌ای ۹).

جدول ۹ توزیع فراوانی آغازگر متنی در ۹۱۳ بند مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره	فراوانی	درصد نسبت به کل بندها
آغازگر متنی	۳۵۳	۳۸/۵

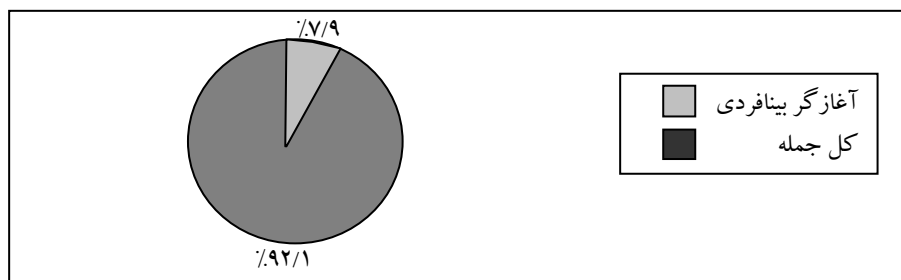


نمودار کلوچه‌ای ۹ توزیع فراوانی آغازگر متنی در ۹۱۳ بند مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

در این قسمت توزیع فراوانی و نمودار به دست آمده از آغازگر بینافردی در این سه کتاب به ترتیب ارائه می‌شود.  
در روان‌شناسی تفاوت‌های فردی از مجموع ۸۸۴ بند، ۷۰ بند (۷/۹ درصد) دارای آغازگر بینافردی بود.

جدول ۱۰ توزیع فراوانی آغازگر بینافردی در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

روان‌شناسی تفاوت‌های فردی	فراوانی	درصد نسبت به کل بندها
آغازگر بینافردی	۷۰	۷/۹



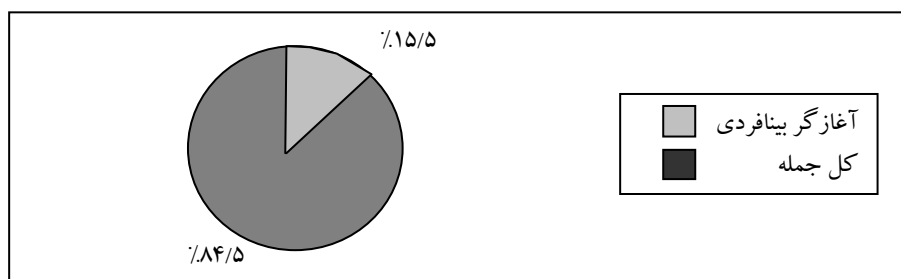
نمودار کلوچه‌ای ۱۰ توزیع فراوانی آغازگر بینافردی در ۸۸۴ بند روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

در کلیات تربیت بدنی در مدارس از مجموع ۱۰۱۳ بند، ۱۵۵ بند (۱۵/۵ درصد) دارای آغازگر بینافردی بود (جدول ۱۱ و نمودار کلوچه‌ای ۱۱).



جدول ۱۱ توزیع فراوانی آغازگر بینافردی در ۱۰۱۳ بند کلیات تربیت بدنی در مدارس

کلیات تربیت بدنی در مدارس	فراوانی	درصد نسبت به کل بندها
آغازگر بینافردی	۱۵۵	۱۵/۵

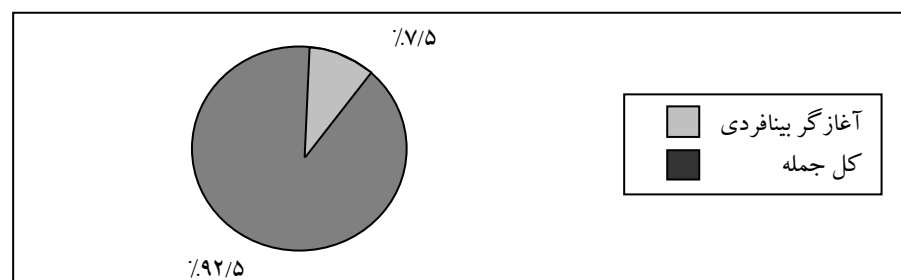


نمودار کلوچه‌ای ۱۱ توزیع فراوانی آغازگر بینافردی در ۱۰۱۳ بند کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس

در مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره از مجموع ۹۱۳ بند، ۶۹ بند (۷/۵ درصد) دارای آغازگر بینافردی بود (جدول ۱۲ و نمودار کلوچه‌ای ۱۲).

جدول ۱۲ توزیع فراوانی آغازگر بینافردی در ۹۱۳ بند مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره	فراوانی	درصد نسبت به کل بندها
آغازگر بینافردی	۶۹	۷/۵



نمودار کلوچه‌ای ۱۲ توزیع فراوانی آغازگر بینافردی در ۹۱۳ بند کتاب مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

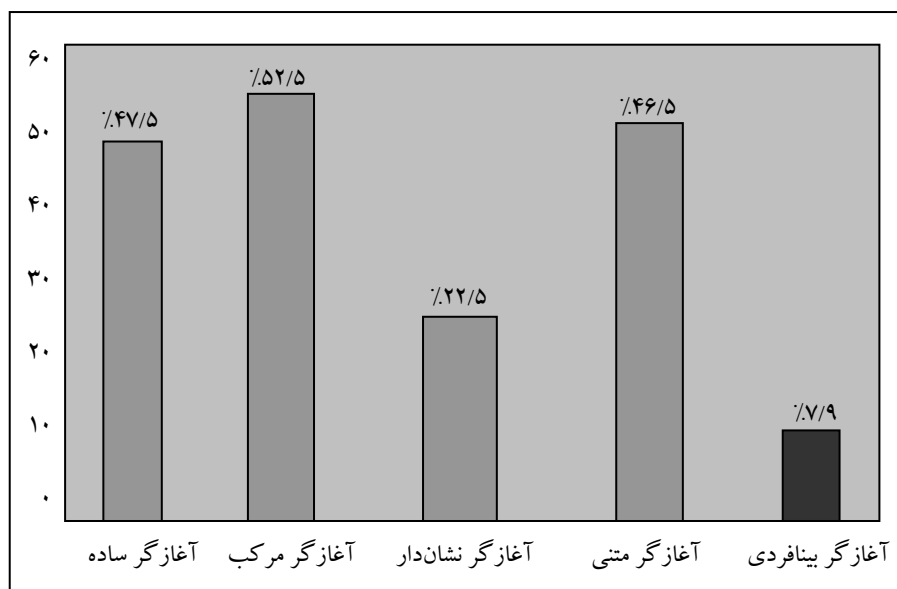
همان‌طور که ملاحظه می‌کنید مقایسه آمارهای به دست آمده از آغازگر متنی و آغازگر بینافردی مبین آن است که درصد وقوع آغازگر متنی بسیار بیشتر (۴ برابر) از آغازگر بینافردی است. این نتیجه با توجه به نقشی که آغازگر متنی ایفا می‌کند و با توجه به رسمی بودن متون بررسی شده دور از ذهن نیست. پیش‌تر گفتیم که آغازگر متنی

سبب انسجام میان بند و بافت آن می‌گردد و در واقع رابطه منطقی و معنایی بین دو بند را به وجود می‌آورد؛ درحالی‌که آغازگر بینافردی نگرش، احساسات و قضاوت گوینده را در ارتباط با پیام نشان می‌دهد. کاووسی نژاد (۱۳۸۸، ص ۱۷۷) نیز در بررسی خود از پنج متن بررسی شده به این نتیجه رسید که کاربرد آغازگر بینافردی در گونه داستانی بیشتر از دیگر گونه‌ها (مقالات علمی، علوم محض، آموزشی، روزنامه‌ای) است و در خصوص کاربرد آغازگر بینافردی گونه آموزشی تا حدودی شبیه گونه داستانی است.

### نتیجه‌گیری

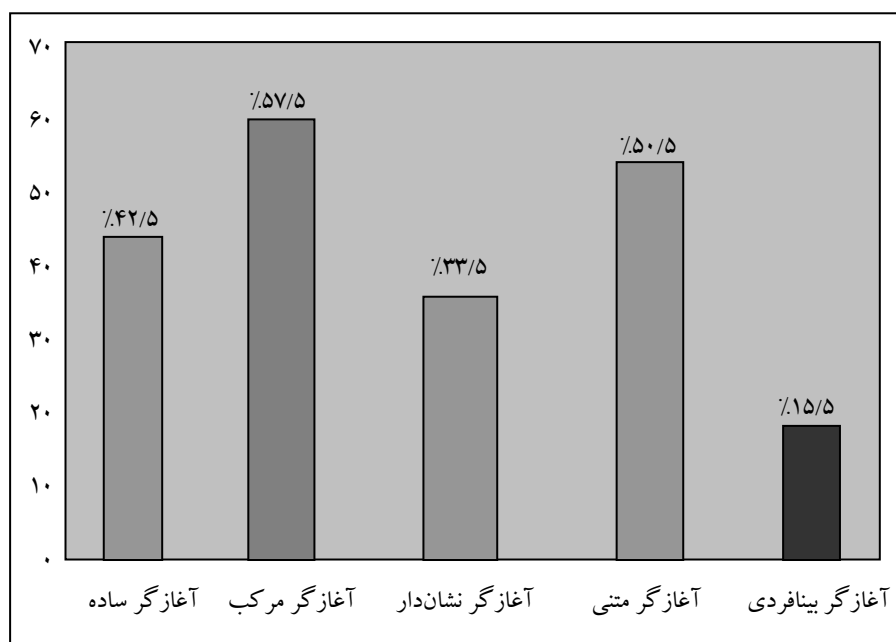
حال ابتدا نمودارهای ستونی از آمار به دست آمده را می‌بینیم و سپس با توجه به آن نتایج را بررسی می‌کنیم:

۱. در کتاب روان‌شناسی تفاوت‌های فردی ۸۸۴ بند بررسی شد؛ آمار به دست آمده بدین شرح است: آغازگر ساده ۴۲۰ بند (۴۷/۵ درصد)، آغازگر مرکب ۴۶۴ بند (۵۲/۵ درصد)، آغازگر نشان‌دار ۱۹۸ بند (۲۲/۵ درصد)، آغازگر متنی ۴۱۲ بند (۴۶/۵ درصد) و آغازگر بینافردی ۷۰ بند (۷/۹ درصد) (نمودار ۱۳).



نمودار ۱۳ نمودار ستونی فرانش متن در روان‌شناسی تفاوت‌های فردی

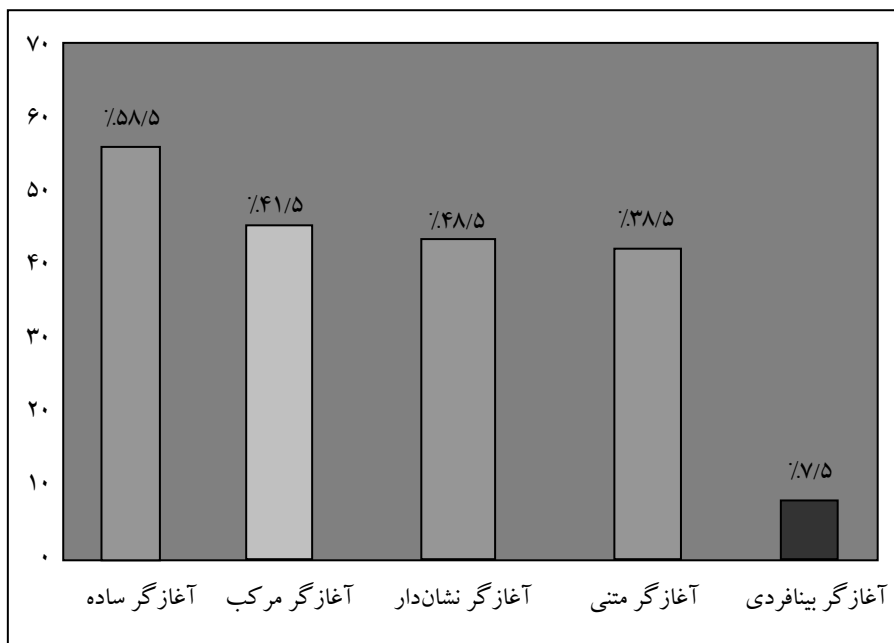
۲. در کتاب کلیات تربیت بدنی در مدارس ۱۰۱۳ بند بررسی شد؛ آمار به دست آمده بدین شرح است: آغازگر ساده ۴۳۰ بند (۴۲/۵ درصد)، آغازگر مرکب ۵۸۳ بند (۵۷/۵ درصد)، آغازگر نشان‌دار ۳۳۹ بند (۳۳/۵ درصد)، آغازگر متنی ۵۱۳ بند (۵۰/۵ درصد)، آغازگر بینافردی ۱۵۵ بند (۱۵/۵ درصد) (نمودار ۱۴).



نمودار ۱۴ نمودار ستونی فرانش متنی در کلیات تربیت بدنی در مدارس

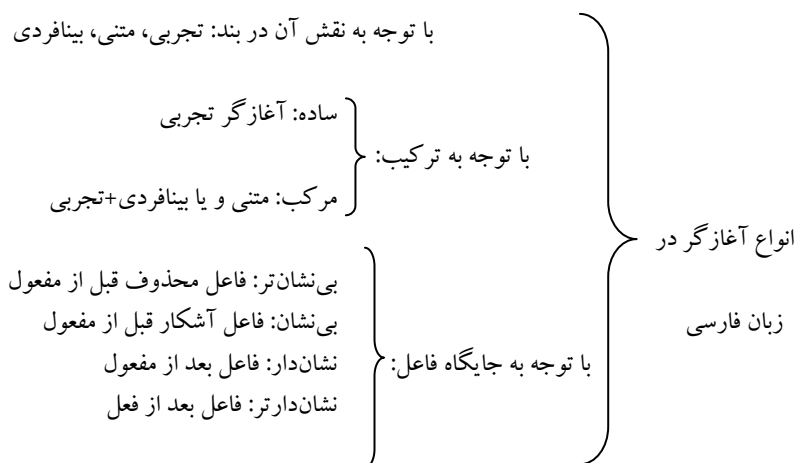
۳. در کتاب مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره، ۹۱۳ بند بررسی شد؛ آمار به دست آمده بدین شرح است: آغازگر ساده ۵۳۵ بند (۵۸/۵ درصد)، آغازگر مرکب ۳۷۸ بند (۴۱/۵ درصد)، آغازگر نشان‌دار ۳۵۳ بند (۳۸/۵ درصد)، آغازگر متنی ۳۵۳ بند (۳۸/۵ درصد)، آغازگر بینافردی ۶۹ بند (۷/۵ درصد) (نمودار ۱۵).

۴. آمار نشان می‌دهد که آغازگر ساده در دو کتاب روان‌شناسی تفاوت‌های فردی و کلیات تربیت بدنی در مدارس بیش از آغازگر مرکب است. اما در کتاب مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره آغازگر مرکب بیش از آغازگر ساده است. این امر نشان می‌دهد که با این روش می‌توان تفاوت سبکی نویسندگان و مترجمان را بررسی کرد. در ضمن مؤید آن است که جمله را می‌توان به شیوه‌های مختلف آغاز کرد، که هر یک، خود، تأثیر متفاوت و منحصر به فردی در مخاطب و به طور خاص در درک مطلب دارد.



نمودار ۱۵ نمودار ستونی فرانش متن‌های در مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره

۵. نظام آغازگر در متون علمی زبان فارسی به شرح شکل ۲ است:



شکل ۲ نظام آغازگر در زبان فارسی

۶. آغازگر بی‌نشان و نشان‌دار در زبان فارسی دارای پیوستار است. این پیوستار از

- بی‌نشان‌تر تا نشان‌دارتر است.
۷. با توجه به آمار حاصل در هر سه کتاب در آغازگرهای مرکب فراوانی آغازگر متنی بیش از آغازگر بینافردي است.
۸. عناصر تشکیل‌دهنده آغازگر به طرق مختلف می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و از این رهگذر پیوستاری ایجاد می‌شود که یک سوی آن آغازگر ساده بی‌نشان‌تر و سوی دیگر آن آغازگر مرکب نشان‌دارتر است.
۹. از آنجا که آغازگر در زبان فارسی معنامند است و عناصر تشکیل‌دهنده آن به طرق مختلف و بی‌شمار می‌توانند با یکدیگر ترکیب شوند و نیز با توجه به آنکه چگونگی شروع جمله در درک مخاطب و جلب توجه او به موضوع نقش بسزایی دارد، پرداختن به آن اهمیت بسیاری دارد؛ بنابراین در تألیف کتابهای درسی باید این ویژگی زبان فارسی را در نظر گرفت و به چگونگی شروع جمله و پیوستگی آن با موضوع و نیز با جملات قبل و بعد توجه کرد.
۱۰. فرانتش متنی به عنوان ابزاری برای تشخیص گونه‌های زبانی و سبکهای نگارش به کار می‌روند.

## منابع

- احمدی، سید احمد (۱۳۸۶)، *مبانی و اصول راهنمایی و مشاوره*، تهران: سمت، چاپ پنجم.
- جعفری، آریتا (۱۳۸۸)، *توصیف و تحلیل افزوده‌ها در زبان فارسی معاصر: رویکردی نحوی و کلامی* (رساله دکتری)، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- دبیرمقدم، محمد (اسفند ۱۳۶۹)، «پیرامون را در زبان فارسی»، *مجله زبان‌شناسی*، سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان، پیاپی ۱۳، ص ۶۰-۲.
- زکائی، محمود و محمد نبوی (۱۳۸۱)، *کلیات تربیت بدنی در مدارس*، تهران: سمت، چاپ چهارم.
- شفائی، احمد (۱۳۶۳)، *مبانی عملی دستور زبان فارسی*، تهران: مؤسسه انتشارات نوین.
- شمس اسفندآباد، حسن (۱۳۸۶)، *روان‌شناسی تفاوت‌های فردی*، تهران: سمت، چاپ سوم.
- غفاری مهر، مهرخ (۱۳۸۳)، *بررسی دو مجموعه از کتابهای آموزش زبان فارسی از دیدگاه نظریه نقش‌گرایی هلیدی*، (پایان‌نامه کارشناسی ارشد) تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- فهم‌نیا، فرزین (۱۳۸۷)، *توصیف و تحلیل نقش‌گرایانه آغازگر از منظر رویکرد هلیدی در کتابهای فارسی و انشاهای دانش‌آموزان دبستان* (رساله دکتری زبان‌شناسی)، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کاووسی‌نژاد، سهیلا (۱۳۸۱)، *ساخت مبتدا - خبر در زبان فارسی و اهمیت آن در ایجاد انسجام در متن: نگرش نقش‌گرا* (رساله دکتری زبان‌شناسی)، تهران: دانشگاه تهران.
- محمودف، حسن (۱۳۶۵)، «ترتیب توالی کلمات در جملات ساده دو ترکیبی فارسی»، ترجمه احمد شفائی،

مجله زبان‌شناسی، سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان، پیاپی ۵، ص ۵۳-۶۶.

- Fries, P. H. (1995), *Language Communication and Social Meaning*, Washington Dc: Georgetown University Press, pp. 336-352.
- Ghadessy, M (ed.), (1995), *Thematic Development in English Text*, London: Pinter.
- Gomez, Maria (1994), "The Relevance of Theme in the Textual Organization", *BBC News Reports, WORD*, Vol. 45 (3), pp. 293-305.
- Halliday, M. A. K. & Ch. Matthiessen (2004), *An Introduction to Functional Grammar*, London: Edward Arnold.
- Halliday, M. A. K. (1984a), "language as Code and language as Behaviour: a Systemic-Functional Interpretation of the Nature and Ontogenesis of Dialogue", In: Halliday, M. A. K., R. P Fawcett, S. Lamb, & A. Makkai (eds), *The Semiotics of Language and Culture*, Vol 1., London: Frances Pinter, pp. 3-35.
- \_\_\_\_\_ (1994) *An Introduction to Functional Grammar*, 2ed, London: Arnold Publication.
- Hasan, Ruqaiya (1989), *Liuguistics, Language and Verbal Art*, London: Oxford University Press.